

سرمقاله

بام بی حصار تورم و گودال فرسایش معیشت

ادامه از صفحه یک

ما با یک کف ساختمنی رویه‌رو هستیم که قدرت خرید روی آن بنا شده است. حداقل دستمزد کارگران، حقوق کارمندان و مستمری بازنشستگان، بر اساس محاسباتی افزایش می‌یابد که اغلب بر مبنای تورم اعلامی سال گذشته است، نه تورم انتظاری لحظه‌ای. این یعنی کف معیشت، نه تنها با سقف قیمت‌ها رشد نمی‌کند، بلکه ثابت ماندن آن در برابر موج‌های تورمی، حکم فرسایش دائمی را دارد. ترک‌ها از همین‌جا آغاز می‌شوند: کارگری که تا دیروز با جیره‌بندی پوشاک، سبد خوراکش را تأمین می‌کرد، امروز مجبور است برای حفظ پوتئون سفره، لبنیات را حذف کند. این «ترک خوردن»، یعنی حذف تدریجی لایه‌های میانی هرم نیازها، کف معیشت، دیگر سطح یکپارچه‌ای نیست که خانواده بتواند روی آن با امنیت بایستد؛ به شک‌های از شکاف‌ها تبدیل شده که هر لحظه، دهک‌های بیشتری را به درون خود می‌بلعد. فقیر جدید، دیگر آن فرد بیکار حاشیه‌نشین نیست؛ کارمند شاغل شهرنشینی است که کف زندگی‌اش یاری تحمل سقف سرسام‌آور هزینه‌ها را ندارد و به عمق سقوط می‌کند. اما پرسش کانونی این یادداشت، واکاوی نسبت علی و معلولی این دو پدیده است. چرا سقف می‌شکند و کف می‌ترکد؟ پاسخ در یک کلمه خلاصه نمی‌شود، بلکه باید آن را در مثلث شوم «کسری بودجه مزمن»، «نظم ارزی چندگانه و رانتی» و «سیاست‌های پولی انفعالی» جست‌وجو کرد. دولت‌ها برای پوشش کسری بودجه، یا به خلق پول برپن‌زا از مسیر بانک مرکزی متوسل می‌شوند یا به افزایش بی‌برهه قیمت حامل‌های انرژی و خدمات دولتی. این فشار از ناحیه پایه پولی، سقف قیمت‌ها را چون بادکنکی بی‌محافظ به جلو می‌راند. از سوی دیگر، برای مهای ظاهری این التهاب، سیاست‌گذار به سرکوب دستمزدها و تحدید رشد نقدینگی در بخش حقوق و دستمزد پناه می‌برد؛ غافل از اینکه این کار، کف معیشت را از درون می‌پوساند. شکاف عمیق میان نرخ ارز ترجیحی و بازار آزاد نیز، رانت نجومی‌ای خلق می‌کند که سقف قیمت‌ها را در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌های انتخاب به پرواز درمی‌آورد، در حالی که سفره مصرف‌کننده نهایی به غلط، قربانی این تورم ساختاری می‌شود. نتایج این گسست هواناک، فراتر از یک صورت مالی «خالوان است». وقتی کف معیشت می‌ترکد، «امید» به متلاب مهم‌ترین دارایی نامشهود یک ملت از دست می‌رود. شکست سقف قیمت‌ها و ترک کف معیشت، یعنی شکست محاسبه‌پذیری زندگی، در چنین وضعیتی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای جوانان مضحکه می‌شود؛ ازدواج به یک پروژه لوکس بدل می‌گردد؛ فرزندآوری به یک ریسک مالی ویرانگر، و بازنشستگی به کالوسی پایان‌ناپذیر. این همان جایی است که جامعه در مرحله «فقر (رامیدی)» عبور می‌کند و وارد مرحله «فقر قلابیتی» می‌شود؛ یعنی ناتوانی در تصور آینده، و این خطرناک‌ترین ترک در بنیان یک تمدن است. چه باید کرد؟ پاسخ نه در یک شوک درمانی عوام‌فروشان، که در یک جراحی دقیق و صبورانه ساختاری است. اولاً، لنگر اسمی اقتصاد باید ترسیم شود. تا وقتی بودجه دولت، معاد به تورم و نفش مصنوعی خلق پول است، هرگونه تلاش برای مرمت کف معیشت بی‌ثمر است. کنترل ناترازی بودجه، نه از مسیر مالیات‌ستانی کور از فقر، که از طریق قطع رانت‌های کلان انرژی و شفاف‌سازی دارایی‌های دولت، اولین گام برای مهار شکست سقف قیمت‌هاست. ثانیاً، کف معیشت نیازمند یک بازتعریف حقوقی و اقتصادی است. دستمزدها نباید بر اساس تورم با تأخیر تعدیل شوند، بلکه باید به «سبد معیشت واقعی و روزآمد» گره بخورند. این سبد نباید یک توافق صوری شورای عالی کار باشد، بلکه باید هزینه حفظ کرامت یک زندگی حداقلی را پوشش دهد. ثالثاً، سیاست‌گذار باید بپذیرد که کف ترک‌خورده معیشت، با یارانه‌های نقدی قطره‌چکانی و بسته‌های حمایتی فصلی ترمیم نمی‌شود. این ترک‌ها، نیازمند مهار دائمی اسب سرکش تورم و تزریق «امنیت غذایی و مسکن» به پیکره جامعه است. ما در نقطه‌ای تاریخی ایستاده‌ایم که دیگر می‌توانست به یک قبیله قبیله تبدیل شود. اگرچه معیشت یک قبیله کند هستند که آرام بی‌بصا، رشته‌های انسجام اجتماعی را می‌پزند. هنر حکمرانی اقتصادی در روزگار ما، نه وعده‌های وصله‌ای، که دوختن دوباره این کف از هم گسیخته و به سقفی معقول و قابل اتکاست؛ باینی که در آن، زندگی جریان داشته باشد، نه بقا.

عارف:

معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: همان‌گونه که جبهه دیپلماسی و جبهه نبرد در دو جنگ اخیر عملکرد موفقیتی داشتند، جبهه علم و فناوری نیز نقش مؤثری ایفا کرد.

به گزارش ایسنا محمدرضا عارف - امروز ۵ مرداد - در نشست شورای عتف وزارت علوم با تشکر ویژه از همه دانشگاهیان، استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌ها، از نقش‌آفرینی آنان در دو جنگ تحمیلی اخیر قدرتانی کرد و گفت: دو جنگ به ما تحمیل شد که هزینه‌های فراوان مادی و معنوی به همراه داشت. در جنگ ۱۲ روزه، بزرگان و فرماندهان حوزه دفاعی را از دست دادیم و به شهادت رسیدند. در جنگ ۴۰ روزه نیز با شهادت امام یزدگوار، خسارتی غیرقابل جبران بر ایران وارد شد. خون این امام شهید، همانند برکات وجودی ایشان در طول ۴۵ سال پس از انقلاب، همچنان جاری است و آثار و برکات آن احساس می‌شود. وی افزود: حقیقتاً دانشگاهیان در این دو جنگ خوش درخشیدند و این بار در کنار جبهه دیپلماسی و جبهه نبرد، جبهه جدیدی با عنوان «جبهه علم و فناوری» شکل گرفت که عملکرد بسیار خوبی داشت. همان‌گونه که جبهه دیپلماسی و جبهه نبرد در این دو جنگ عملکرد موفقیتی داشتند، جبهه علم و فناوری نیز نقش مؤثری ایفا کرد. عارف با بیان اینکه در کنار جبهه دیپلماسی و جبهه نبرد، جبهه خیابان هم خلق شد، اظهار کرد: دشمن به خیال همراهی مردم، جنگ ۱۲ روزه را تحمیل کرد و برنامه‌اش این بود روز جمعه سران بخش‌های

حمله اوکراین به شناور ایرانی در دریای خزر بررسی شد

صدای پای جنگ از خزر

دور از ذهن نیست که آمریکا پس از تجربه جنگ مستقیم با ایران، به این جمع‌بندی رسیده باشد که هزینه تقابیل نظامی بسیار بالاست و از این پس راهبرد محاصره ژئوپلیتیکی سراسری را دنبال کند. در این سناریو، اوکراین، برخی بازیگران قفقاز، اسرائیل، فشارهای دریایی در خلیج فارس و تحریم‌های اقتصادی اجزای یک راهبرد واحد خواهند بود، هرچند موفقیت آن قطعی نیست.



گذشته کانون فشار بوده‌اند، اکنون این احتمال وجود دارد که دریای خزر نیز به تدریج وارد همین معادله شود.

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر بارها تلاش کرده است جغرافیای رویرویی با ایران را از مرزهای سنتی فراتر ببرد؛ از عملیات‌های دریایی گرفته تا اقدامات اطلاعاتی و سایبری. به همین دلیل، هرچند نسبت دادن مستقیم حادثه خزر به تل‌آویو با واشنگتن بدون شواهد معتبر، تحلیلی شتاب‌زده خواهد بود، اما ناپدید گرفتن همیوشانی این رخداد با راهبرد کلان فشار چندلایه علیه ایران نیز ساده‌انگاری است. اگر این فرضیه درست باشد، هدف صرفاً آسیب زدن به یک شناور یا حتی مختل کردن یک مسیر تجاری نیست؛ هدف، تغییر نقشه ذهنی امنیت ایران است. یعنی تهران احساس کند دیگر تنها در جنوب با تهدید رویه‌رو نیست، بلکه از شمال نیز باید خود را برای یک محیط امنیتی جدید آماده کند.

به همین دلیل، شاید مهم‌ترین پیام این حادثه، نه خسارت وارده‌شده به یک کشتی، بلکه تلاش برای شکستن تصور امنیت نسبی دریای خزر باشد؛ منطقه‌ای که تاکنون یکی از معدود حوزه‌های کم‌تنش پیرامون ایران محسوب می‌شد.

دور از ذهن نیست که آمریکا پس از تجربه جنگ مستقیم با ایران، به این جمع‌بندی رسیده باشد که هزینه تقابیل مستقیم بسیار بالاست و از این پس به جای رویارویی مستقیم، به سمت محاصره ژئوپلیتیکی ایران حرکت کند. در این صورت، اوکراین در شمال، اسرائیل در غرب، برخی بازیگران در قفقاز، فشارهای دریایی در جنوب و تحریم‌های اقتصادی، اجزای یک راهبرد واحد خواهند بود؛ راهبردی که هدف آن فتح سزمین، بلکه فرسایش مداوم قدرت ایران از طریق گشودن جبهه‌های متعدد و پراکنده است.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شود؛ تغییری که نه تنها ایران و روسیه، بلکه کل معادلات امنیتی اوراسیا را وارد مرحله‌ای تازه خواهد کرد و چه بسا اعلام آغاز یک جغرافیای جدید برای جنگ است باشد.

در تحلیل این حادثه، البته نباید تنها به رابطه مستقیم ایران، روسیه و اوکراین اکتفا کرد. از منظر

تحلیل راهبردی، نمی‌توان این پرسش را نادیده گرفت که بیشترین منفعت از گسترش جغرافیای فشار علیه ایران نصیب چه بازیگرانی می‌شود؟

این سؤال زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که شمال-جنوب است؛ مسیری که برای ایران، روسیه و حتی هند اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی فزاینده‌ای یافته است. ناامن شدن این پهنه آبی، فقط امنیت یک شناور یا یک کشور را تهدید نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند بر آینده یکی از مهم‌ترین مسیرهای جایگزین تجارت جهانی نیز اثر بگذارد. از سوی دیگر، این رخداد آزمونی مهم برای کشورهای ساحلی خزر نیز محسوب می‌شود. اگر اصل «امنیت مشترک دریای خزر» تضعیف شود، زمینه برای ورود تدریجی رقابت‌های نظامی و امنیتی به این منطقه فراهم خواهد شد؛ اتفاقی که هیچ‌کس از کشورهای ساحلی از آن سود نخواهند برد.

اما شاید مهم‌ترین لایه این تحول، همزمانی آن با درگیری های ایران و آمریکا باشد. این حادثه دقیقاً در شرایطی رخ می‌دهد که غرب آسیا نیز در یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود قرار دارد. در چنین فضایی، طرح هم‌زمان ادعاهای ژنسنکی درباره همکاری اطلاعاتی ایران و روسیه، این تصور را تقویت می‌کند که برخی بازیگران در تلاش‌اند دو پرونده امنیتی مستقل را به یکدیگر گره بزنند؛ جنگ اوکراین از یک سو و بحران چین و آمریکا از سوی دیگر.

شاید هنوز برای نتیجه‌گیری قطعی درباره اهداف نهایی این اقدام زود باشد؛ اما یک واقعیتی را نمی‌توان نادیده گرفت: دریای خزر دیگر آن منطقه دور از جنگ نیست که تا دیروز تصور می‌شد.

اگر روند کنونی ادامه یابد، خزر ممکن است از یک پهنه همکاری اقتصادی و امنیتی، به حلقه جدیدی از

دیپلماسی و میدان در دو جنگ اخیر عملکرد موفقیتی داشتند

هدف قرار داد و بیشترین خسارت‌ها در این حوزه وارد شد. با این حال، ظرفیت ایران بسیار بالاست و هرچند اکنون زمان اعلام آمار اقدامات انجام‌شده نیست ولی با اطمینان می‌توان گفت عملیات بازسازی و نوسازی با اکتا به توان فنی و مهندسی، دانشمندان، مهندسان و جوانان کشور در حال انجام است. در بخش صنعت نیز هردا دشمن تلاش کرد اقتصاد ایران را فلج کند، به‌سرعت بازسازی انجام شد و این نتیجه توانمندی دانشمندان جوان، مهندسان باسواد و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور است. عارف ادامه داد: دانشگاهی که با راهبرد بلندمدتی که امام شهید ترسیم کرده بودند در خدمت نظام قرار داشت و در جبهه علم و فناوری نیز نقش‌آفرین بود و سرداران این جبهه، دانشمندان جوان بودند. واقعیتی است این افسران پیششاز در دو جنگ خوش درخشیدند. معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به پیشرفت‌های علمی کشور گفت: اگر فرصتی فراهم شود، می‌توان هر هفته گزارشی از پیشرفت‌های علم و فناوری و فناوری‌های راهبردی کشور در میانه دو جنگ ارائه کرد، زیرا شرایط این حوزه هر هفته نسبت به هفته قبل قابل مقایسه نیست. دشمن این واقعیت را درک کرده و شکست خود را پذیرفته‌است، هرچند آن را به زیان نمی‌آورد. کافی است اعلام کند با چه اهدافی وارد این دو جنگ شد، به کدام اهداف رسید و چرا در تحقق آنان ناکام ماند؟ دلیل این ناکامی حضور مردم در صحنه بود و تا زمانی که لازم باشند، این حضور ادامه خواهد داشت.

دفاعی را شهید کند، روز شنبه مردم به خیابان‌ها بیایند و کار را تمام

کنند و روز یکشنبه نیز وزیر امور خارجه در چارچوب قرار قبلی برای مذاکره برود و تسلیم شود. اما مردم در روز دوم جنگ، یعنی شنبه، کاری کارستان کردند و مدیریت دفاعی کشور با فرماندهی کل قوا ظرف چند ساعت، مقامات ارشد بخش دفاعی را جایگزین کرد. این فرماندهان جدید نیز عملیات را آغاز کردند.

عارف با اشاره به آغاز جنگ ۴۰ روزه از سوی دشمن، افزود: این مسیر با هزینه‌های سنگین‌تری دنبال شد، زیرا دشمن از جنگ ۱۲ روزه دچار عهده از مردم شد و به این نتیجه رسیده بود که با فروپاشی اجتماعی نمی‌تواند به اهداف خود برسد، از همین رو کوبایی به ایران تحمیل کرد و متأسفانه عده‌ای از جوانان نیز فریب خوردند. وی یادآور شد: در دی‌ماه، در بیابانه امام شهید به مناسبت مراسم ترجمی که نظام برای بیش از ۳ هزار نفری که از دست داده بودیم، گرفتند؛ همه آنان شهید خوانده شدند که تودهنی محکمی به دشمن بود که روی تحمیل از جوانان کشور حساب باز کرده بود. برای ما، جانباختن جوانان چه این طرف و چه آن طرف خیابان، هرزوه نبوده بود. در نهایت کودتا نیز جمع شد و دشمن را نظر سیاسی هم موفق نشد.

معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: دشمن در ادامه، با راهبرد فروپاشی ارکان اصلی کشور و راس نظام، دو حوزه علم و فناوری و اقتصاد را هم هدف‌گیری کرد. در جنگ ۴۰ روزه دشمن بخش‌های علم و فناوری را

اسماعیل بقائی:

اجازه نمی‌دهیم آمریکا تعیین‌کننده زمان جنگ و صلح باشد

است، اضافه شدند.

هفته گذشته، باز هم ایران، میناب شد؛ صحنه‌ای که تاریخ کمتر به خود دیده است. تشییع دوباره فرشتگان، پاره‌های پیکر دخترکان و پسران ایران. دست و پا انگشت‌هایشان را، قطعه‌های بدن بچه‌هایمان را، به خاک سپردیم؛ با چه زجرِی.

باز هم با تمام وجود، کمک‌های آمریکایی را لمس کردیم. تصویر مادر سپیدمویی که از درد و اندوه به خود می‌پیچید و حاضر نبود این آخرین بازمانده از کودکش را از دست بدهد، برای همیشه در حافظه ایرانیان ثبت شد. پدید چگونهِ بازوی کوچک قطع‌شده فرزند را می‌بوید، بر پیشانی و صورت می‌مالید و چگونه آن را از قبر باز گرفت و باز هم طلب کرد.

تا هر زمان که منافع‌مان و مصالح‌مان اقتضا کند، دفاع می‌کنیم

بقائی در پاسخ به این سوال که آمریکایی‌ها به محض اینکه قیمت نفت بالا می‌رود و تحت فشار قرار می‌گیرد، به مذاکره روی می‌آورد و با این اهرم به‌راحتی جنگ را مدیریت می‌کند، آیا تدبیری برای برهم زدن این تاکتیک آمریکایی در نظر گرفته شده است؟ گفت: نمی‌دانم چطور فکر می‌کنید که جنگ را مدیریت می‌کنند. جنگی که قرار بود ظرف سه روز ایران را فرو بپاشد، ایران را به تسلیم وادارد، و اکنون بعد از ۵ ماه، خودشان در باتلاق خودساخته گیر افتاده‌اند، این مدیریت جنگ نیست. اینکه هر از مدتی یک‌بار مرتکب جنایات جنگی شوند و به آن افتخار کنند، صرفاً دست‌وپا زدن در فضااختی است که با دست خودشان و با وسوسه رژیم صهیونیستی ایجاد کردند و عادتاً باید تاوان آن را هم پس بدهند. به عنوان یک اصل، ما

سیاست روز

اخبار

سخنگوی دولت:

کاهش محدودیت انرژی در مناطق گرمسیری اولویت دولت است



سخنگوی دولت با تأکید بر اینکه تنها با پنج درصد صرفه‌جویی در میزان مصرف، امکان تأمین برق پایدار برای تمامی بخش‌ها فراهم می‌شود، گفت: رویکرد دولت به حداقل رساندن محدودیت‌های انرژی در مناطق گرمسیر، به‌ویژه مناطق آسیب‌دیده از جنگ است و با بهبود شرایط و کاهش تقاضا، تخصیص برق به این مناطق در اولویت قرار خواهد گرفت.

«فاطمه مهاجرانی» امروز دوشنبه در پاسخ به سؤال خبرنگار ایرنا در خصوص برنامه دولت برای پایان برق قطعی‌های مقطعی برق در جنوب کشور به ویژه در شرایط حساس کنونی، گفت: دولت تدابیر ویژه‌ای برای مدیریت شبکه برق در مناطق جنوبی کشور اتخاذ کرده است، رویکرد وزارت نیرو به حداقل رساندن محدودیت‌های انرژی در مناطق گرمسیر، به‌ویژه مناطق آسیب‌دیده از جنگ است و با بهبود شرایط و کاهش تقاضا، تخصیص برق به این مناطق در اولویت قرار خواهد گرفت.

وی افزود: سیاست وزارت نیرو بر این است که در اعمال محدودیت‌های احتمالی، مناطق جنوبی کشور و نواحی گرمسیر با حساسیت ویژه‌ای دیده شوند و فشار کمتری نسبت به سایر نقاط کشور محتمل شوند.

سخنگوی دولت اظهار داشت: برنامه‌ریزی دولت به گونه‌ای است که به محض بهبود شرایط تأمین برق و کاهش میزان مصرف در شبکه سراسری، اولویت تخصیص انرژی به مناطق گرمسیر و آسیب‌دیده از جنگ اختصاص یابد. وزارت نیرو تمام توان خود را برای مدیریت تقاضا و عبور از این دوره محدودیت‌ها به کار بسته‌است.

مهاجرانی خاطر نشان کرد: البته موفقیت در اجرای این برنامه‌ها مستلزم همراهی مشترکان، به‌ویژه مشترکان پرمصرف است. چنانچه تمامی مشترکان نسبت به مدیریت مصرف اقدام کنند و تنها پنج درصد صرفه‌جویی در میزان مصرف خود داشته باشند، امکان تأمین برق پایدار برای تمامی بخش‌ها فراهم شده و نیاز به اعمال محدودیت‌ها به حداقل می‌رسد.

وی در پایان تأکید کرد: دولت مصمم است با اجرای برنامه‌های مدیریت بار و تداوم پایش‌های شبکه، پایداری انرژی را در این مناطق استراتژیک تضمین کند.

وزیر علوم:

بیش از ۱۵ پروژه ملی برای حل مسائل کشور در وزارت علوم راهبری می‌شود

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به فعال‌تر شدن شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتفا)، از راهبری بیش از ۱۰ تا ۱۵ پروژه ملی برای حل مسائل کلان کشور در «دفتر مدیریت حل مسائل‌مشله‌ها» خبر داد و گفت: ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت با حمایت دولت چهاردهم بیش از گذشته تقویت شده است.

به گزارش خبرنگار علمی ایرنا، حسین سیمایی روز دوشنبه در سی‌وسومین جلسه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتفا) که در وزارت علوم برگزار شد، با اشاره به فعال‌تر شدن شورای عالی عتفا و جایگاه این شورا در راهبری پژوهش کشور اظهار کرد: شورای ویژه وزارتخانه، شورایی است که همه دستگاه‌های کشور در آن عضویت دارند و ۲۱ کمیسیون آن نیز با حضور معاونان محترم وزرا فعالیت می‌کنند.

وی افزود: وظیفه این شورا، راهبری تحقیقات و پژوهش در کشور و ایجاد انسجام در حوزه پژوهش است و خوشبختانه یکی از دستاوردهای این دوره، با پیگیری‌های شخص رئیس‌جمهور و معاون اول، تقویت هرچه بیشتر ارتباط دانشگاه با جامعه، صنعت و حل مسائل کشور بوده است.

وزیر علوم با بیان اینکه این رویکرد، نشانه دانشگاهی با مسئولیت اجتماعی است، ادامه داد: در کنار فعالیت‌های گذشته، پس از جنگ و تجاوز رژیم‌خانه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، ۱۵ تا پروژه ملی با عنوان «معضلات مرتبط با مسائل حل‌کننده کشور و در چارچوب کلان‌مشئله‌ها تعریف می‌شوند، از سوی دستگاه‌های اجرایی دولت به وزارت علوم واگذار شده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: بسیاری از این پروژه‌ها ناظر بر مسائلی هستند که در دوران پساچنگ به وجود آمدند یا در جریان جنگ شکل گرفتند و اکنون نیازمند راه‌حل‌های علمی و پژوهشی هستند